

• دریافت ۹۰/۱۲/۱۶

• تأیید ۹۱/۴/۱۳

شگردهای طنز ساز در «دو کلمه حرف حساب» کیومرث صابری (گل آقا)

نعمت الله ایران زاده*

نجمه زارع بنادکوکي**

چکیده

سبک‌شناسان در تحلیل آثار ادبی جنبه‌های زبانی، ادبی و محتوایی را بررسی می‌کنند. آثار طنز را نیز می‌توان در همین حوزه‌ها بررسی کرد؛ با این تفاوت که در حوزه ادبی، علاوه بر شگردهای بلاغی، باید از تکنیک‌های خنده در این نوع آثار نیز بحث کرد. صابری، به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران طنز معاصر، نویسنده‌ای صاحب سبک است. سبک خاص او بخصوص در ستون «دو کلمه حرف حساب» روزنامه اطلاعات به خوبی مشخص است. در مقاله حاضر، «دو کلمه حرف حساب» های کیومرث صابری (گل آقا) از لحاظ شگردهای طنز ساز، بویژه نوآوری‌های او در این حوزه بررسی شد و به این نتیجه رسیدیم که سه ویژگی عمده: تنوع شگردهای طنز آفرین، ابداع شگردها و تلفیق شگردهای طنز ساز، سبب می‌شود طنزهای صابری جذابیت خاصی داشته باشد.

کلید واژه‌ها:

کیومرث صابری (گل آقا)، ستون «دو کلمه حرف حساب»، طنز سیاسی، آیرنی، نقیضه، هنرهای بلاغی.

iranzadeh@atu.ac.ir
n.zare97@yahoo.com

* استادیار دانشگاه علامه طباطبایی
** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

۱. مقدمه

هر کدام از انواع شوخ‌طبعی به دلیل متفاوت بودن با آثار جد، سبک خاصی دارند و با سبک دوره، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی. این آثار نیز، در حوزه‌های زبانی، فکری و بخصوص ادبی قابل بررسی است. «می‌توان شیوه‌های نیل به خنده را در سه دسته‌بندی کلی قرار داد: خنده‌ای که به واسطه کاربرد زبان حاصل می‌آید؛ خنده‌ای که با ادا و اطوار و اجرای حرکات نمایشی همراه است و خنده‌ای که از ترکیب این دو ایجاد می‌شود.» (حرّی، ۱۳۸۷: ۴۱) در آثار مکتوب، ما با خنده حاصل از کاربرد زبان سروکار داریم. به طور دقیق نمی‌توان گفت چه تعداد تکنیک‌های خنده‌ساز داریم، چون هر نویسنده و شاعر طنز پرداز در این زمینه نوآوری دارد، ولی برخی از این شگردها پرکاربردتر است و هم در طنز و هم در انواع شوخ‌طبعی از جمله هجو و هزل و فکاهه کاربرد دارد. برخی از مهم‌ترین این تکنیک‌ها را نویسندگانی چون حلبی، جوادی و حرّی ذکر کرده‌اند:

حلبی این شگردها را به این ترتیب برشمرده است: ۱. تحقیر ۲. تشبیه به حیوانات ۳. قلب اشیاء و الفاظ ۴. تحامق یا کودن‌نمایی ۵. خراب کردن سمبل‌ها ۶. ستایش اغراق‌آمیز و نامعقول ۷. ته‌گم، نفرین و دشنام (حلبی، ۱۳۶۴). جوادی نیز تقسیم‌بندی دیگری برای این شگردها ارائه کرده است: ۱. کوچک کردن ۲. بزرگ کردن ۳. تقلید یا نظیره طنزآمیز ۴. طعنه یا کنایه طنزآمیز ۵. نقل قول مستقیم. (جوادی، ۱۳۸۴). حرّی چنین تقسیم‌بندی کرده است: ۱. هتّاک و دشنام‌گویی ۲. کنایه طنزآمیز ۳. کاریکاتورسازی ۴. هجو ۵. نقیضه ۶. بولرسک (مضحکه)/نظیرسازی، نظیره ۷. حماسه‌مضحک/سخره‌قهرمانی ۸. برهان خلف ۹. کوچک سازی، بزرگ سازی، تقابل سازی (حرّی، ۱۳۸۷)

در این مقاله می‌خواهیم ببینیم کیومرث صابری که صاحب نظران بسیاری چون (صدر، ضیایی، احترامی، ذوالفقاری، زرویی و...) وی را طنزنویسی صاحب سبک می‌دانند، چگونه این شگردها را به کار می‌برد و کدام خصیصه‌های ادبی، طنز او را از دیگر طنزنویسان مجزاً می‌کند.

اهمیت شناخت سبک صابری را می‌توان در چهار مورد خلاصه کرد: نخست آنکه طنزهای صابری آیین‌های است که حوادث و اتفاقات مهم سیاسی ایران بعد از انقلاب (سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۷) در آن منعکس است و شناخت تاریخ این برهه بدون توجه به این طنزها ناقص می‌نماید. دیگر آنکه تاریخ ادبیات معاصر ما بخصوص تاریخ ادبیات بعد از انقلاب، از لحاظ شناخت ابعاد مختلف آثار نویسندگان و شاعران تأثیرگذار، ضعف عمده‌ای دارد و چنین تحقیقاتی سبب برطرف

شدن این نقص می‌شود. سوم آنکه صابری طنزنویس برجسته‌ای بود و در بین مردم شهرت بسیاری داشت. او مکتب خاصی در طنزنویسی با عنوان «طنز گل‌آقایی» بنیان نهاد و طنزنویسان بسیاری پرورش داد؛ چیزی که در تاریخ طنزنویسی ما کم‌سابقه است؛ به همین دلیل شناخت ابعاد مختلف سبک او می‌تواند الگویی مناسب برای طنزنویسان جوان باشد که می‌خواهند طنز کشورمان را ارتقاء ببخشند.

۲. زندگی‌نامه کیومرث صابری

کیومرث صابری در سال ۱۳۲۰ در صومعه‌سرای گیلان متولد شد و تحصیلات ابتدایی خود را در فومن به پایان رساند. در سال ۱۳۴۰ بعد از اخذ دیپلم ادبی، در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در همان دوران، اولین شعر طنز خود را در مجله توفیق به چاپ رساند. بعد از مدتی به تهران مهاجرت کرد و همکار ثابت مجله توفیق شد. در همان سالها با محمد علی رجایی در «هنرستان صنعتی کارآموز» آشنا شد که این آشنایی به دوستی و همکاری در سالهای بعد انجامید. در سال ۱۳۵۷ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته ادبیات تطبیقی شد. بعد از انقلاب اسلامی، نخست مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور، شهید رجایی و پس از آن مشاور فرهنگی آیت الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهوری (وقت)، شد. صابری در سال ۱۳۶۲ از مشاغل رسمی کناره‌گیری و در سال بعد ستون طنزی را پایه‌گذاری کرد که یکی از محبوبترین ستون‌های طنز بعد از انقلاب اسلامی شد. صابری در سال ۱۳۶۹ هفته‌نامه گل‌آقا را منتشر کرد که عنوان پرفروش‌ترین مجله طنز بعد از انقلاب اسلامی را کسب کرد. سال بعد، ماهنامه و سالنامه گل‌آقا و در سال ۱۳۷۸ هفته‌نامه «بچه‌ها... گل‌آقا» را منتشر کرد و «مؤسسه گل‌آقا» را به عنوان «خانه طنز ایران» اعلام کرد. در سال ۱۳۸۱ انتشار هفته‌نامه گل‌آقا از سوی خود صابری بدون ذکر هیچ دلیلی متوقف شد. گل‌آقای ملت ایران در سال ۱۳۸۳ در روز ۱۲ اردیبهشت به دیار باقی شتافت.

۳. کاربرد شگردهای خنده‌ساز در «دو کلمه حرف حساب»

شگردهای طنز را در دسته بزرگی به نام تکنیک‌های خنده می‌توان طبقه‌بندی کرد. البته ناگفته نماند که در هر یک از انواع شوخ‌طبعی، برخی از این شگردها بسامد بیشتری نسبت به دیگر انواع دارد. همچنین هر کدام از نویسندگان، شگردهای جدیدی را به فراخور زمان و مخاطب ابداع می‌کنند. صابری با توجه به اینکه روزانه طنز می‌نوشت، بعد از اینکه مدتی از یک شگرد استفاده

می‌کرد، طنزش بار غافلگیری را از دست می‌داد. به همین جهت، شگردهای جدیدی ابداع می‌کرد. در ادامه، به بخشی از شگردهای برجسته طنز وی با بسامد بالا اشاره می‌کنیم. تلاش کردیم برای اغلب موارد مثالی ذکر کنیم، ولی چون آوردن مثال برای تمام مواردی که ذکر آن خواهد رفت سبب اطناب بحث می‌شود، از آوردن مثال برای موارد آشکار پرهیز می‌کنیم.

۳-۱. رایج‌ترین شگردهای طنزساز در «دو کلمه حرف حساب»

۳-۱-۱. ایرنی

ایرنی، یکی از صنایع بلاغی یا ابزار کلامی است که در طنزآمیز کردن متن سهم عمده‌ای دارد. در فارسی، معادل مناسبی که انواع متفاوت ایرنی را در برگیرد، وجود ندارد. ارائه تعریفی جامع و مانع برای ایرنی دشوار است. «عام‌ترین تعریف ارائه شده، گفتن چیزی بر عکس آن است. (ر.ک. تعریف کوینتالیان از ایرونی کلامی: *Colebrook, 2004:1*) اما به‌واقع، ایرنی تضادی است بین بود و نمود، یا بین تظاهر و واقعیت، (*Cuddon, 1999:430*) به صورتی که آنچه گفته می‌شود، با معنایی که القاء می‌شود تضعیف می‌گردد. به دیگر سخن، ایرنی ناشی از نوعی پیچیدگی، حاصل از ابهام کلام است که تضادهای درون معنا را گسترش می‌دهد و القائات معنایی را چندوجهی می‌کند، به طوری که در یک معنای کلی شاهد مجموعه‌ای از مفاهیم و القائات معنایی متضاد هستیم.» (بهره‌مند، ۱۳۸۹: ۱۵) ایرنی، یکی از شگردهای پر کاربرد «دو کلمه حرف حساب» است. شیوه «غلط نویسی تعمّدی» که صابری در طنزهای «دو کلمه حرف حساب» به کار می‌برد نیز، نوعی ایرنی است. زیرا با وجود آنکه ظاهر کلام نادرست است، ولی نویسنده به دنبال انتقاد از غلط نویسی و رواج درست نویسی است. از انواع متفاوت ایرنی در طنزهای «دو کلمه حرف حساب»، بیشتر ایرنی سقراطی و کلامی دیده می‌شود.

الف. ایرنی سقراطی

همانگونه که از اسمش برمی‌آید، به شیوه مناظره سقراط با سوفسطاییان زمانش اشاره دارد. «تظاهر به جهل برای افشای عیبی در تفکر دیگری است که در آن، گوینده می‌داند، اما تظاهر به ندانستن می‌کند و مخاطب هم مدّعی دانش است، اما در آخر، جهل او آشکار می‌گردد.» (بهره‌مند، ۱۳۸۹: ۱۶) با تسامح می‌توان برخی از گفتگوهای گل آقا و اصحابش، پیرامون سخنان

برخی از مقامات و مسئولان و تجاهل در مورد بسیاری از اتفاقات را آیرنی سقراطی به حساب آورد. اگر فرض را بر این بگذاریم که مخاطب، دولتمردان و مسئولان، به غلط بودن سیاست خود آگاهی ندارند ولی مدعی‌اند که سیاست درستی را در پیش گرفته‌اند:

«بهترین شیوه!

در این دو سه روز اخیر عده‌ای از خوانندگان عزیز به وسیله تلفن و نامه و تلگرام و پیغام و پستام از بنده سؤال کرده‌اند که نظرم درباره بهترین شیوه مبارزه با بی‌حجابی چیست و چه کار باید کرد تا این پدیده ریشه‌کن شود؟

به نظر بنده، بهترین شیوه مبارزه همین است که در هر دوازده ماه، یک ماه و در آن یک ماه، چند روز و در آن چند روز، یکی دو ساعت و در آن یکی دو ساعت هم، در یکی از خیابانهای تهران و در آن خیابان هم، در یکی دو نقطه، عده‌ای جمع بشوند و یک تظاهراتی بکنند! بنده قول می‌دهم، عین آبی که روی آتش بریزند، نه تنها پدیده بی‌حجابی بلکه سایر مشتقات آن، از قبیل بدحجابی، کم‌حجابی، شل‌حجابی، پس‌حجابی و غیره... محو و نیست و نابود و ریشه‌کن بشود.

ممکن است عده‌ای بگویند این بهترین شیوه مبارزه، هر سال با همین مشخصات (بلکه یک کمی شدیدتر!) دارد اجرا می‌شود، پس چرا ریشه‌کن نشده؟

جواباً عرض می‌کنم که قرار نبوده به همه سؤالها، بنده جواب بدهم. سؤال کردید بهترین شیوه مبارزه چیست، جوابش همین بود که دادم. حالا چرا ریشه‌کن نشده، گمانم تقصیر این «مش رجب» است. شما هنوز این مش رجب را نشناخته‌اید!» (صابری، ۱۳۶۹: ۱۰۲)

ب. آیرنی کلامی

در حقیقت، نوعی مجاز وارونگی با وارونه‌گویی در واژه، عبارت، جمله یا کلّ متن است، به طوری که معنای کلام، عکس ظاهر آن به نظر می‌رسد. این شیوه نه تنها در زبان ادبی دیده می‌شود، بلکه در زبان معیار نیز نمونه‌های فراوانی دارد. (بهره‌مند، ۱۳۸۹: ۲۰) صابری از آیرنی کلامی بسیار هنرمندانه بهره گرفته است:

«گناه صغیر!

گناه کسی نیست اگر، اصطلاح «گناه بی‌لذت!» که این روزها از امور متروکه و غیر رایج و کم‌کاربرد! می‌باشد به گوشش نخورده باشد!

می‌گوییم: برادر مش‌رجب! جواب شاغلام را کی بدهد؟ من یا جنابعالی که اینجور مسایل را فوت آب می‌باشی؟» (صابری، ۱۳۷۳: ۱۴۴)

۳-۱-۲. نقیضه (parody)

پارودی (parody)، لغتی یونانی است که «در اصطلاح به معنی تقلید کلمات، سبک، ایده‌ها، لحن و افکار مؤلف است؛ به نحوی که تمسخرآمیز به نظر برسد. این هدف با مبالغه در برخی جنبه‌ها و تقریباً پیروی از روش کاریکاتوریست‌ها حاصل می‌شود. پارودی در واقع نوعی تقلید طنزآمیز است.» (فلاح و صابری، ۱۳۸۹: ۱۹)

نقیضه‌سازی، یکی از مهم‌ترین شگردهای طنزهای صابری است. او به فراخور محتوا، از شیوه و قالب انواع نثر چون نثر قدیم، نثر ترجمه‌ای، نثر عامیانه، نثر اداری و... نیز بهره می‌گیرد و در کل، با مقداری تسامح در همه دو کلمه حرف حساب‌ها به نوعی با نقیضه روبرو هستیم.

نقیضه‌های صابری را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد:

۱. نقیضه بر قالب آثار ادبی چون: گلستان سعدی، تاریخ بیهقی، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، مثنوی معنوی، غزلیات حافظ و ...
۲. نقیضه بر قالب‌های غیر ادبی چون: آگهی ترحیم و تسلیت‌نامه، متن‌های علمی، متن‌های ترجمه‌شده، کلمات قصار و ...
۳. نقیضه‌هایی که بر ستون‌های روزنامه‌های زمان خود می‌نویسد چون: ستون «مکتوب سیاسی هفته»، نوشته محمد جواد لاریجانی، ستون «کوتاه و گویا»، نوشته محمد جواد حجّتی کرمانی، ستون «پیام‌های مردمی» روزنامه کیهان. در این نقیضه‌ها، صابری قصد دارد از شیوه این نوشته‌ها انتقاد کند.
۴. یک نوع خاص از نقیضه که در طنزنویسی پرکاربرد است، «نقیضه تضمین» نام دارد که تلفیقی است بین تضمین و نقیضه؛ بدین معنا که با استفاده از اشعار و ابیات معروف، کلمات قصار، ضرب‌المثل‌ها، کنایات و... طنز می‌سازیم. در این روش ممکن است «کلمات اصل کلام جدی تضمین شده، پس و پیش شود؛ اگر مثبت است، منفی شود و بالعکس. قلب و تصحیف در آن رخ دهد. مفاهیم در آنها متضاد یا متناقض شوند. خلاصه‌تر و کوتاه‌تر شوند یا فقط یکی از ترکیبات آنها برای ساخت یک جمله جدید مطایبه‌آمیز استفاده شود.» (طالبیان و تسلیم جهرمی، ۱۳۸۸: ۳۱) طنزهای صابری، سرشار از نقیضه تضمین است؛ از جمله: ابیات مشهور،

امثال، کنایات و ...

«بر ارباب فضل پوشیده نیست که، به دنبال پخش و نشر بعضی مطالب ضدّ «گل آقایی» در بعضی از رسانه‌ها (که بعضاً خاتمه یافته و بعضاً تازه شروع شده و بعضاً در دست اقدام است!) قلم و سمعک و منصب و عینک گل آقا از امروز به این بنده کمتترین، مفوض گردیده است:

فیض روح القدس ار باز مدد فرماید مش رجب هم بکند آنچه گل آقا می کرد (صابری، ۱۳۶۹: ۳۰۸)
نقیضه‌ای است بر بیت مشهور حافظ:

فیض روح القدس ار باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد (حافظ، ۱۳۸۴: ۸۹)

۵. نوعی نقیضه شعری نیز هست که بدیع‌ان آن را «تعریب» می‌نامند و آن «در لغت، الفاظ عجمی را عربی گردانیدن باشد و در اصطلاح، عبارت از آن است که شاعر لغت فارسی را با ادوات لغت عرب امتزاج دهد و به طرز اشعار عربی مؤدّی سازد.» (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۵۸) به این شگرد، «نقیضه ملمّع» نیز می‌گویند. که در ادبیات فارسی قدمتی طولانی دارد و اولین نمونه‌های آن به قرن شش هجری برمی‌گردد. (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۰: ۱۰۲) این شگرد، در طنزهای صابری بخصوص در جلد اول گزیده دو کلمه حرف حساب بسیار دیده می‌شود:

«شاعر عرب می‌گوید:

انت سافر بالماشین سریعاً و علی الباربند مأمور سواریا
یا ایها الراننده ما توفیرا بینک و بین ساریان الشتر فی صحاریا؟
بر خود می‌بندی باربندی تا سوار شود بر آن مأموری! ای ساریان، آهسته ران! اینجا خیابان است نه بیابان.» (صابری، ۱۳۶۹: ۱۷۱)

۳-۱-۳. برهان خلف (Reductio ad absurdum)

برهان خلف، اصطلاحی است در علم منطق که در تعریف آن آورده‌اند: «مطلوب را با ابطال نقیض آن اثبات کردن». (خوانساری، ذیل برهان خلف) یعنی طنزنویس «مشتاقانه با نگرش‌ها و فرضیه‌هایی که می‌خواهد آنها را طنز کند، از در موافقت درآمده و سپس با دست انداختن آن نگرش‌ها، وجه خنده‌دار و مضحک آنها را بیان می‌کند». (حرّی، ۱۳۸۷: ۷۱) صابری در انتقاد از گرانی، اغلب از این شگرد بهره می‌برد. شاید یکی از دلایل به کار بردن این شگرد این باشد که بسیاری از مسئولان نمی‌پذیرفتند که در جامعه گرانی و تورّم وجود دارد.

«ما اگر چه وجود هر نوع «گرانی» را قویاً تکذیب کرده و می‌کنیم و آن را شایعه‌ای بیش

نمی‌دانیم، اما این دلیل نمی‌شود که از توجیه و تحلیل و تبیین آنچه وجودش را تکذیب می‌کنیم، عاجز و ناتوان باشیم! یعنی لازم نیست که این گرانی لاکتاب، حتماً وجود داشته باشد تا ما ثابت کنیم چرا وجود دارد. بلکه اگر وجود نداشته باشد هم، ما می‌توانیم ثابت کنیم که چرا وجود ندارد. ثابت کرده، برایش آثار وجودی بتراشیم! و هکذا عدم چیزی را که موجود است، به اثبات برسانیم!» (صابری، ۱۳۷۴: ۲۳۸)

۳-۱-۴. بزرگ‌سازی / اغراق و مبالغه (Inflation)

عنصر مهمی که در ژرف‌ساخت بیشتر طنزها دیده می‌شود، اغراق و مبالغه در نشان دادن واقعیت است. طنزنویس، خصیصه‌هایی را که می‌خواهد در طنزشونده با تأکید نشان دهد، بزرگ‌تر از حدّ عادی جلوه می‌دهد، به نحوی که باعث خنده می‌شود. استفاده اغراق‌گونه طنزنویس از این شگرد، باعث دلزدگی مخاطب می‌شود. به همین دلیل طنزنویسان موفق به «تلفیق آن با دیگر شگردهای طنز مانند بازی‌های زبانی، وارونه‌نمایی، ساده‌لوحی‌های طنزآمیز و ...» (حسام‌پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۳) می‌پردازند. ستایش اغراق‌آمیز و نامعقول، یکی از نمونه‌های بزرگ‌سازی است. «تلاش شبانه‌روزی و پیگیر و فناپذیر مسئولان وزارت نفت، بالاخره به ثمر نشست و روابط عمومی این وزارتخانه در یک اقدام بی‌سابقه، کوپن‌های شماره ۱۰ و ۱۷۶ آبی‌رنگ و کوپن‌های شماره ۳۲ و ۱۵۱ سبزرنگ و کوپن‌های شماره ۷۸ و ۱۰۲ مشکی‌رنگ را برای سهمیه نفت سفید ساکنان حومه تهران بزرگ اعلام کرد و جراید یومیّه، آن را، همان‌طور که عظمت این اقدام بزرگ اقتضا می‌کرد، در صفحات اول خود به حلیه و زیور طبع و نشر آراستند. ...» (صابری، ۱۳۷۴: ۱۶۴)

۳-۱-۵. کوچک‌سازی (Diminution)

یکی از رایج‌ترین روش‌های ایجاد طنز، کوچک‌سازی است. طنزنویس، گاهی اشخاص را کوچک جلوه می‌دهد، گاهی موقعیت را کوچک و بی‌اهمیت جلوه می‌دهد. طنزنویس، برای آنکه بتواند حقایق اجتماعی را نشان دهد، اوضاع را بی‌اهمیت‌تر از آنچه که هست نشان می‌دهد. این روش، همان اغراق است ولی در جهت عکس؛ یعنی مسأله‌ای را بیش از اندازه کوچک کردن.

«می‌گویند چیز مهمی خوانده نشد. همین قدر باخبر شدیم که سماور آبدارخانه دانشگاه تربیت

معلم، شعله‌ور گردیده، آبدارخانه آتش گرفته، دانشجویان حاضر در کلاس درس، خود را از پنجره کلاس به بیرون انداخته، شهر امن و امان است!» (صابری، ۱۳۷۴: ۳۳)

۳-۱-۶. تقابل‌سازی (Juxtaposition)

«کنار هم قرار دادن اشیایی با اهمیت نامساوی در کنار هم.» (حرّی، ۱۳۸۷: ۷۰) ناهماهنگی ایجاد شده در تقابل‌سازی، خنده می‌آفریند.
«حوادث غیرمترقبه!

وارده: در غیاب جان جانان (زننده یاد گل‌آقای شیرین زبان)، شما که شاغلامی و از سوی گل‌آقا ملقب به عوامی! در دو کلمه به ما بفرما که این «حوادث غیرمترقبه» که بعضاً موجب خانه خرابی آدم می‌شود، چه چیز است؟
...گفت: مصادیق بسیار است. کلیاتش همان که مصادق عزیزت فرموده؛ جزئیاتش، هزار و یکی! از آن جمله: سیل، عوارض، خودیاری، زلزله، افزایش نرخ کالاها و خدمات دولتی، نطق و مصاحبه بعضی از مسئولان، رواج کالاهای وارداتی، رونق و تعدیل اقتصادی، مزه‌تک نرخی شدن / ارز و ...

ولی از دیدگاه ما، ورود گل‌آقا به آبدارخانه پس از یک غیبت طولانی، به طور ناگهانی، از اهم حوادث غیر مترقبه هم مهم‌تر است!» (صابری، ۱۳۷۴: ۳۱۲)

۳-۱-۷. غافلگیری

در این شیوه، «تنها با خلاف عرف و عقل روبرو نیستیم، بلکه سیر کلام به گونه‌ای است که خواننده با پایان یافتن جمله، ناگهان متعجب و غافلگیر می‌شود و در نتیجه خنده را برای او به دنبال دارد.» (طالبیان و تسلیم جهرمی، ۱۳۸۸: ۲۷) «ذهن انسان مثل یک ماشین تطبیق‌دهنده عمل می‌کند. رفتارها و گفتارهای مختلف را می‌سنجد و با قرار دادن آنها در الگوهای آشنا و از پیش تعیین شده، طبقه بندیشان می‌کند، اما بعضی وقتها این الگوی آشنا از هم می‌گسلد و عنصری جایگزین آن می‌شود که برای مغز غیر منتظره است. در واقع، در قالب‌های پیشین نمی‌گنجد، اینجاست که آدمی به خنده می‌افتد.» (طالبیان و تسلیم جهرمی، ۱۳۸۸: ۲۸)
صابری از این شگرد بسیار استفاده می‌کند و عمدتاً «دو کلمه حرف حساب»ها پایانی غیرمنتظره دارند:

«یکی از این سرمایه‌داران عمده، شخصی است به نام «الف» که در آمریکا، اروپای غربی و دوی حسابهای ارزی دارد و در اینجا عوامل متعددی دارد و...» - روزنامه کیهان (۲۲/۱/۲۳)

متأسفانه ما تخصص‌چندانی در امور پولی و اقتصادی نداریم و حالیه، دسترسی به شخص «گل آقا» هم نداریم. اما «غضنفر» می‌گوید: آن شخص به نام «الف» فقط یکی از سرمایه‌داران عمده فرصت‌طلب می‌باشد که چوب لای چرخ سیستم تک‌نرخ آقای دکتر «عادلی» نموده است. فهرست کامل اسامی این افراد فرصت‌طلب که حتی در کامپیوتر بانک مرکزی هم وجود ندارد، در آبدارخانه ما موجود است که عیناً و ذیلاً افشاگری می‌نماییم. به شرح زیر:

«اشخاصی به نامهای: ب(الفش را خود مسئولان شناسایی کرده‌اند) - پ - ت - ث - ج - ح - خ - د - ذ - ر - ز - ژ - س - ش - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق - ک - گ - ل - م - ن - و - ه - ی...» (صابری، ۱۳۷۴: ۳۲۸)

- در متن بالا نخست مخاطب با ادعای شاغلام، مبنی بر داشتن فهرست اسامی سرمایه‌داران و موجود بودن این فهرست در آبدارخانه متعجب می‌شود، ولی بعد از اینکه لیستی از حروف الفبا را می‌بیند، ناگهان غافلگیر شده، می‌خندد و به نکته اصلی طنز نیز پی می‌برد.

۳-۱-۸. بازی‌های زبانی و بیانی

«بازی‌های زبانی - بیانی، گستره‌ای از آرایه‌ها و صنایع ادبی هستند که در طنز و مطایبه به دلیل «چندمعنایی» از کاربرد بسیاری برخوردارند. مهم‌ترین این آرایه‌ها عبارتند از: جناس، ابهام، استخدام، کنایه، تجاهل‌العارف، مدح شبیه به ذم، ذم شبیه به مدح، تبادر، تلمیح، تضاد، تهکم، محتمل‌الضدین، ابهام و اسلوب‌الحکیم» (طالبیان و تسلیم جهرمی، ۱۳۸۸: ۲۳)

همچنین «ساختن کلمه‌ای جدید با حذف یا اضافه کردن جزئی به کلمه، ایجاد تغییر در واژه‌ها و تعبیرهای متداول و در هم ریختن کلمات، از جمله مظاهر این روش است.» (حسام‌پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۱)

«کوله!»

... بنده دیشب رفتم یک شیشه نوشابه خریدم آوردم منزل. کمی از آن چشیدم، دیدم - بی ادبی می‌شود - یک طعم و مزه‌ای می‌دهد. اوس کاظم را که همسایه ما می‌باشد، صدا زدم. مختصری چشید و - گفت: این چه چیز است؟ - گفتم: باید نوشابه باشد. - گفت: شاید شربت سینه است! نوشابه که نمی‌باشد! - گفتم: اختیار داری... این همان «کوله» است. خندید و گفت:

مرد حسابی، «کلاه» که روی سر خودت است ... این همان شربت سینه است!»
(صابری، ۱۳۶۹: ۵۸)

۳-۱-۸-۱. واژه سازی

طنزنویسان، گاه واژه یا ترکیبات جدیدی می‌سازند که عمر طولانی ندارد و تنها برای طنز ساخته می‌شود. از این میان، برخی از این واژه‌ها نوعی بازتحلیل است، ولی بسیاری از این واژه‌ها و ترکیبات، بر اساس قیاس با دیگر واژه‌های زبان ساخته می‌شوند. صابری از این شگرد بسیار استفاده می‌کند و واژه‌ها و ترکیبات جدید او، اغلب کنایه هستند و حامل انتقادی سیاسی اجتماعی: چون زهرمارگاز (صابری، ۱۳۷۰: ۱۷)، مخافق (صابری، ۱۳۷۰: ۳۸)، بین الخطین، بین الجناحین (صابری، ۱۳۷۰: ۸۱)، جاسوسخانه (صابری، ۱۳۷۳: ۷۲)، گنده‌پا (صابری، ۱۳۷۴: ۱۶)، یوم‌الگلنگ (صابری، ۱۳۷۴: ۲۹۱)، مرفهین‌بادرد (صابری، ۱۳۷۴: ۲۰۸)، خط‌یاب، جناح‌شناس (صابری، ۱۳۷۷: ۱۴۳) جدید الوزاره (صابری، ۱۳۷۷: ۵۸)، شعارهای نسوان گرایانه (صابری، ۱۳۷۷: ۱۱۰) و ...

۳-۲-۸-۱. شگردهای بلاغی

در میان انواع آرایه‌ها (بیان، بدیع و معانی)، برخی از آنها بیشتر در طنز کاربرد دارند و شگردی محسوب می‌شوند که متن را طنزآمیز می‌کند. ناگفته نماند که به‌کارگیری این آرایه‌ها در طنز، با متن ادبی، تا اندازه‌ای متفاوت است. در طنز، «کاربرد عناصر بلاغی ویژه به شکل‌ها و شگردهای خاصی است که طنز خلق می‌کند و به‌کارگیری هر عنصر بلاغی در طنز، تا زمانی که تصویر طنزآمیز نسازد، عنصر بلاغی محسوب نمی‌گردد.» (باقری خلیلی، ۱۳۸۸: ۷)

از شگردهای بلاغی که در طنزهای صابری بسامد بالایی دارد، می‌توان به تشبیه، استعاره، کنایه، جناس، ایهام، استخدام، تضمین، تلمیح، تنسیق‌الصفات، تضاد، تناقض‌نما و دلیل عکس اشاره کرد.

«اندر فواید خاموشی!

... جسارتاً عرضه می‌دارد: کوپن قبلی ویژه دریافت لامپ را هر جا بردیم، یا لامپ نبود، یا بود و از نظر توزیع عادلانه با کوپن ما مطابق نمی‌افتاد! فلذا کوپن قبلی ما به سلامتی سوخت گردید و رفت پی کارش! و همان شب، لامپ بنده منزل نیز طاققت مفارقت نیآورده از هجران کوپن قالب تهی نمود! (به قول حضرت‌عالی، شاعر فرماید):

دیدی که خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند خوشبختانه دیری نپایید که کوپن جدید لامپ، هفت هشت ماه بعد اعلام شد! ولی هر جا کوپن می‌بریم، یا لامپ نیست یا تطابق نفرات کوپن با میزان وات لامپ کما فی‌السابق امکان‌پذیر نمی‌گردد!

(ایضاً به قول حضرت عالی، چه خوش گفت آن شاعر عرب):

یا چراغ البرق! هذا فراق بینی و بینک بوره سوتهدلان، ستاد بسیج نامهربانی کرتاهه! (احتمال هم دارد که آن شاعر عرب آن قدرها عرب عرب هم نبوده است.) علی هذا، اگرچه لامپ ما تا حدودی خاموش است، استدعا دارد سفارش بفرمایید تکلیف ما را تا حدودی روشن بفرمایند که اگر با استخدام نیروی جدید متعهد و متخصص با تجربه کافی، باز هم ما باید شعر شاعر عرب را شاهد مثال بیاوریم، پس ما، به جای این کارها، برویم همان بازار آزاد! والا برای کسب لامپ روشنایی به بازار سیاه که نمی‌شود رفت! (صابری، ۱۳۶۹: ۱۹۱)

شگردهای هنری که در طنز مذکور دیده می‌شود عبارت‌اند از: ابهام (اندر فواید خاموشی: ۱. بابی از گلستان سعدی، ۲. مهندس خاموشی وزیر برق وقت)، تضمین (دیدنی که خون ناحق... و یا چراغ البرق...)، استعاره (لامپ بنده منزل نیز طاقت...، هجران کوپن و یا چراغ البرق)، کنایه (احتمال دارد شاعر عرب آن قدرها عرب عرب هم نبوده است.) تضاد (اگرچه لامپ ما خاموش است... تکلیف ما را روشن فرمایند، برای کسب لامپ روشنایی به بازار سیاه که نمی‌شود رفت!)، متناقض‌نما (از نظر توزیع عادلانه با کوپن ما مطابق نمی‌افتاد!)، به سلامتی سوخت گردید و رفت پی کارش!، دیری نپایید که کوپن جدید لامپ، هفت هشت ماه بعد اعلام شد!)، تلمیح (ستاد بسیج نامهربانی کرتاهه!)، دلیل عکس (سوختن لامپ به خاطر درد دوری از کوپن باطل شده بوده است).

۳-۱-۹. ابهام آفرینی

یکی دیگر از شگردهای ایجاد طنز، ابهام آفرینی در کلام است. «ابهام به معنی سرگردانی میان دو معنی متناقض و عدم قطعیت در ترجیح یکی بر دیگری تعبیر شده است.» (فتوحی، ۱۳۸۷: ۳۱) طنزنویس، در متن طنز به عمد، ابهام ایجاد می‌کند تا دو یا چند معنا را به مخاطب منتقل کند. صابری از مصادیق ابهام بیشتر از انواع زیر بهره می‌برد:

الف. ابهام واژگانی

آرایه‌هایی چون جناس، ابهام و ... سبب ابهام واژگانی می‌شود که چون قبلاً مثالی ذکر کردیم از تکرار خودداری می‌کنیم.

ب. ابهام ساختاری

الف. مشخص نبودن مرجع ضمیر

از شگردهایی است که صابری بسیار به کار می‌برد و بدین واسطه، فهم مطلب و درک ظرافت طنز را به عهده خواننده می‌گذارد.

«می‌گویم: برادر غضنفر! فرمودی برادر «حبیبیان»، خطاب به کی، چی فرموده؟ - می‌گوید: خطابش را از خاطر برده‌ایم، عتابش این بود که: «ما نمی‌توانیم شعار مرگ بر آمریکا بدهیم، اما از محصولات این کشور استفاده کنیم.» - می‌گوید: عجب...! خوب، ترک بنماییم، برادر غضنفر هفت-هشت-ده سال است که... - می‌گوید: چه چیزی را ترک بنماییم، فدات شم؟ شعار را یا استفاده را؟» (صابری، ۱۳۷۴: ۳۴۷)

ب. حذف

دیگر شگردی که صابری به کار می‌برد، حذف برخی از کلمات یا عبارات است که با ترفندی زیرکانه، ذهن مخاطب را بین چندین جواب معلّق می‌گذارد و طنز می‌آفریند.

«صحت آمار!»

«ظرف یک ماه، ۲۱ هزار دستگاه خودروی دودزا در تهران متوقف شد.» - روزنامه ابرار

- کور شویم اگر یکیش را دیده باشیم! ° «شاغلام»

- منظور شاغلام این است که دیگر حتی یک اتومبیل دودزا در تهران ندیده است! نه اینکه زبانم

لال، در صحت آمار شک کرده باشد! ما اجازه این جور فضولها را به اذناخ خودمان نمی‌دهیم.

- نخیر... گل آقا اشتباه می‌کند. منظور عرضمان این است که ما تا به این سن و سال

رسیدیم، اصلاً در عمرمان اتومبیل دودزا ندیده‌ایم! ° شاغلام

- چه بهتر... فلذا! برادران می‌توانند اعلام کنند ۲۱۰ هزار اتومبیل دودزا را متوقف کرده‌اند...

حتی بلکه هم بیشتر!!» (صابری، ۱۳۷۴: ۲۲۱)

۳-۱-۱۰. نقل قول مستقیم

یکی از شیوه‌هایی است که بخصوص در طنز سیاسی رواج دارد؛ به این علت که طنزنویس با صاحبان قدرت روبرو است. به همین علت، او اصل سخنان طنزشونده را بیان می‌کند و بعد قسمت‌های مضحک آن را برجسته کرده، به استهزا می‌پردازد. البته این شگرد را بیشتر در داستان طنزآمیز می‌بینیم؛ ولی صابری رنگ جدیدی به آن می‌دهد و نقل قول‌ها را در زبان شخصیت‌ها نمی‌گذارد، بلکه او نخست قولی از یکی از مسوولان را که عموماً در روزنامه‌ای چاپ شده، می‌آورد و بعد تناقضات کلام را با طنز نشان می‌دهد.

«تولید زمین!!»

«... همچنین از نظر «تولید زمین» نیز قادر به جوابگویی مناسب به مردم خواهیم بود.

-وزیر مسکن و شهرسازی (به نقل از جراید)

«... حتی شاید بتوانیم مازاد تولیدمان را به خارج هم صادر کنیم... دنیا را چه دیده‌اید؟!»

(صابری، ۱۳۶۹: ۷۵)

۳-۱-۱۱. استدلال طنزآمیز

در علم منطق، به منظور شناخت ناشناخته‌ها حجت و استدلال را به کمک می‌گیرند و آن را به سه دسته قیاس، استقراء و تمثیل تقسیم می‌کنند. در بدیع، شگردهایی است که مبنای استدلالی دارد؛ چون حسن تعلیل، دلیل عکس، مذهب کلامی، ارسال‌المثل و مذهب فقهی یا تشبیه تمثیل. ولی گاه در طنز این آرایه‌ها نیستند و ظاهر استدلال درست است، ولی در باطن شاهد مغالطه در استدلالیم و همین مغالطه، سبب ایجاد طنز می‌شود.

گل آقا در طنز ذیل استدلال می‌کند که رئیس ستاد بسیج اقتصادی، فقط از فعل مستقبل استفاده می‌کند، پس نتیجه می‌گیرد صرف زمانهای دیگر افعال را در مدرسه نیاموخته. این استدلال، ناقص و مغالطه‌گونه است، ولی همین نقص استدلال، شگردی در جهت طنزآمیز کردن مطلب است:

«دستور زبان فارسی و اهمیت آن در اقتصاد!»

-با گرانی و تورم و افزایش قیمت‌ها مبارزه خواهد شد!

-بازرسان طرح جدید مبارزه با گرانی و تورم از بین مردم انتخاب خواهند شد!

-امسال دو نوبت دیگر به کارکنان دولت، کوپن ویژه داده خواهد شد!...

از عموم معلّمان و اساتید زبان و ادبیات فارسی در سطوح دبستان، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه تقاضا می‌شود، به هنگام تدریس «دستور زبان فارسی»، به دانش‌آموزان و دانشجویانشان مبحث «فعل» را به طور کامل تدریس فرموده، آن را با تمرین و تلقین و تکرار، ملکه ذهن شاگردان بفرمایند که اگر در آینده، یکی از آنان رئیس ستاد بسیج اقتصادی شد، علاوه بر «فعل مستقبل»، صرف زمانهای دیگر افعال را هم بلد باشد! خلاصه، از ما گفتن ... این دستور زبان فارسی را دست کم نگیرند!» (صابری، ۱۳۶۹: ۱۲۲)

۳-۱-۱۲. استفاده از زبان و فرهنگ عامیانه

از مظاهر این روش، می‌توان استفاده از امثال را نام برد. کیومرث صابری در این شگرد، خلاقیت بسیار از خود نشان می‌دهد. با توجه به اینکه شخصیت‌های طنز صابری، یعنی گل آقا و اصحابش، جزو عامه مردم‌اند، از مثل در صحبت‌هایشان بسیار استفاده می‌کنند، ولی آنچه این استفاده را جالب می‌کند و تبدیل به شگردی طنزساز می‌کند، این است که «گل آقا» و اصحابش، نه تنها ظاهر مثل را درست نمی‌گویند، بلکه گاه، مثل را به ظاهر در جای خود به کار نمی‌برند و این اشتباه در بردارنده نکته‌ای طنزآمیز است. همچنین «گل آقا»، خود، امثال جدیدی می‌سازد که در بین اصحابش رواج می‌یابد.

الف. مثل با ظاهر اشتباه

صابری ظاهر امثال را دستکاری می‌کند، تا از آنها گرد عادت را بزدايد و بدین ترتیب، عنصر غافلگیری را در طنزهایش بالا می‌برد. همچنین بدین واسطه، شخصیت گل آقا و اصحابش را که انسان‌هایی به ظاهر ساده و عوام هستند نشان می‌دهد، آنقدر که حتی ظاهر درست مثل را نیز بلد نیستند.

طنز زیر، مثل مشهور «آن چیزی که پیر در خشت خام می‌بیند، جوان در آینه نمی‌بیند». با ظاهری طنزآمیز و جدید بیان می‌شود که در اینجا نخست از مثل قدیمی آشنایی‌زدایی شده و دو دیگر آنکه، گل آقا غیرمستقیم می‌گوید که او پیری باتجربه است و اوضاع و احوال سیاسی را از «شاغلام» بهتر درک می‌کند و صلاح را در سکوت می‌بیند.

«ما گل آقائیم. توی خشت خام هم که نگاه کنیم، پشت سرمان تا یک فرسخی آنور پشت

بام را می‌بینیم!» (صابری، ۱۳۷۳: ۹)

یا در دو نمونه زیر نیز، به ترتیب در مثل «خری که در گل مانده» و «از خر شیطان بیا

پایین» نام حیوان را عوض کرده و از ضرب‌المثل آشنایی‌زدایی می‌کند:
 «غضنفر مدتی به رقم نگاه کرد، مدتی به من نگاه کرد. باز مدتی به رقم نگاه کرد، مدتی به من نگاه کرد. باز مدتی به رقم نگاه کرد، باز... آنگاه کمی پس کله‌اش را خاراند و بعد مثل شیرینی که توی گل وامانده باشد، رو کرد به بنده و گفت...» (صابری، ۱۳۶۹: ۴۰)
 «دیگر یقین کردم که قاطی کرده. لذا دوباره ملایم شدم و گفتم: مشدی، از شتر شیطان بیا پایین! واضح‌تر بگو ببینم چه بلایی سرت آمده...» (صابری، ۱۳۶۹: ۵۶)

ب. مثل ابداعی «گل آقا»

«گل آقا» به عنوان عالم‌ترین شخصیت آبدارخانه، گاه مثل جدیدی می‌سازد و جالب است که این مثل‌های خود ساخته گل آقا در بین مخاطبان «دو کلمه حرف حساب» رواج پیدا می‌کند. نکته دیگر آنکه، این امثال خود ساخته، بر اساس قیاس با مثل مشهوری ساخته می‌شود. دو تا از مشهورترین مثل‌های گل آقایی را در ذیل به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم:
 «وقتی حلّ مسأله‌ای را مشکل یافتی، صورت مسأله را پاک کن!» - «گل آقا» (صابری، ۱۳۶۹: ۲۴۲)

«به آب زر بنویسیم و برای آیندگان به یادگار بگذاریم - که گفته‌اند: «کلام الوزیر، وزیر الکلام!» (صابری، ۱۳۶۹: ۲۷۰)

۲-۳. شگردهای ابداعی در «دو کلمه حرف حساب»

صابری، طنزنویسی است که به مخاطب بسیار توجه می‌کند. او برای آنکه مخاطب هرروزی «دو کلمه حرف حساب» از شگردها خسته نشود، دست به ابداع یا تلفیق شگردهای طنزساز می‌زند. البته ناگفته نماند، با وجود اینکه عنوان این مبحث شگردهای خاص صابری است، ولی تمام شگردهایی که مطرح می‌شود، ابداع صابری نیست و طنزنویسان قبل از او نیز گاه از این شگردها بهره برده‌اند؛ به این دلیل که در سبک صابری نمود خاصی دارند، ما آنها را ذیل این عنوان آوردیم:

۱-۲-۳. شگردهای مبتنی بر گفتگو

یکی از مجموعه شگردهایی که صابری به کار می‌گیرد، شگردی است که در اینجا ما نام شگردهای مبتنی بر گفتگو را به آن می‌نهیم؛ این شگرد، از شاخصه‌های سبکی طنز صابری

است. در کل، می‌توان گفت که زیرساخت طنزهای دو کلمه حرف حساب بر پایه گفتگو یا دیالوگ است. او به چند طریق فضایی ایجاد می‌کند که گفتگو شکل بگیرد:

الف. روزنامه خواندن یکی از اصحاب گل آقا و گفتگو پیرامون آن

گاه برای ایجاد گفتگو، یکی از اصحاب گل آقا روزنامه می‌خواند و بعد پیرامون مسائل خوانده شده گفتگو و بحث می‌شود. در این روش، بیشتر شاهد حاشیه‌روی گل آقا و اصحابش هستیم که بعداً در موردش بیشتر توضیح می‌دهیم. صابری، بیشتر مایه‌های طنزش را از اخبار و نوشته‌های روزنامه‌ها می‌گیرد. در برخی طنزها، خبری از روزنامه یا حتی بریده‌ای از روزنامه آورده می‌شود و بعد پیرامون آن خبر، شخصیت‌ها گفتگو کرده و حرف حساب زده می‌شود.

اساساً شخصیت‌های دو کلمه حرف حساب، همه روزنامه‌خوان هستند و گاه بریده‌های روزنامه را برای گل آقا درآورده، روی میزش می‌گذارند، تا در زدن حرف حساب به او خط بدهند. همچنین گل آقا مطالعه بعضی از بخش‌های روزنامه را به علت حساسیتی که برمی‌انگیزد، به ظاهر قدغن می‌کند؛ چون ضمیمه اقتصادی که خواندنش برای اصحاب گل آقا قدغن است، ولی اصحابش به دور از چشم او ضمیمه اقتصادی را می‌خوانند. همین قدغن کردن، نوعی شگرد طنزآمیز است برای برجسته کردن مطلب (یکی از دغدغه‌های اصلی مردم ما، مسائل اقتصادی بوده است). تا خواننده بیشتر بدان توجه کند.

ب. گفتگو با خود (حدیث نفس)

شگرد گفتگو با خود نیز، یکی از شگردهایی است که دهخدا نیز فراوان از آن استفاده می‌کرد. صابری نیز، گاه از این شگرد استفاده می‌کند بدین صورت که مطلبی طنزآمیز را مطرح می‌کند و در پایان متوجه می‌شویم که گل آقا یا یک شخصیت دیگر داشته با خود حرف می‌زده و یک شخصیت دیگر حرفهای او را شنیده که گاه باهم در مورد حرفهای زده شده بحث می‌کنند و گاهی نیز صحبتی نمی‌شود.

۳-۲-۲. شگردهای ساده (بر گفتگو مبتنی نیست)

در طنزهای صابری، بخصوص در جلد اول، ما کمتر شاهد گفتگو هستیم، بلکه خود گل آقا یا اصحابش در ذیل خبر یا نقل‌قولی، نکته‌ای را بیان می‌کنند که در بیشتر موارد، این نکته، کنایه یا مثل مشهوری است که گاه به منظور آشنایی‌زدایی، تغییراتی نیز در آن به وجود آمده است. این

طنزها ایجاز زیبایی داشت، ولی هرچه بیشتر طنز می‌نویسد، بخصوص در جلد چهارم، این ایجاز دیده نمی‌شود و طنزها اطناب بیشتری دارد. بیشتر بر روی روایت و داستان‌گویی طنز تکیه می‌شود و با وجود این، درصد اشارات و تلمیحات ادبی در طنزها بسیار زیادتر از جلد اول می‌شود. ولی از دست رفتن آن ایجاز ظاهری، می‌تواند نشانگر این باشد که روحیه نقدپذیری در بین مردم و مسئولان افزایش پیدا کرده، به اندازه‌ای که می‌توان در مورد مسائل و مشکلات، بیش از یکی دو خط نوشت.

ساختار اغلب این نوع طنزها به صورت زیر است:

الف. ذکر خبر/ها یا نقل قول/ها از روزنامه + استنتاج گل آقایی.

ب. خبر/ها یا نقل قول/ها از روزنامه+استنتاج گل آقایی+تک مضراب یکی از اصحاب گل آقا.

ج. ذکر دو یا چند خبر بدون شرح.

د. یک خبر یا نقل قول واقعی + چند خبر موازی ساختگی + استنتاج گل آقا (زرویی، ۱۳۸۴: ۱۴۱-۱۴۹).

هـ. خبر یا نقل قول واقعی + مثل یا بیت.

گاه صابری، خبری را می‌آورد و بلافاصله بیت یا مثلی مشهور را آورده و هیچ توضیح دیگری نمی‌دهد. بیت یا مثل آورده شده، حامل نکته‌ای است که تناقض خبر را نشان داده، از آن انتقاد می‌کند. در این شگرد، درک ارتباط بین خبر و بیت یا مثل برعهده خواننده است.

و. آوردن عکس یا تصویر+ توضیحات گل آقا یا دیگر اصحاب در شرح آن.

صابری در این شگرد، گاه تصویر یکی از مقامات یا مسئولان را می‌آورد و بعد توضیحاتی پیرامون آن می‌دهد که البته ناگفته نماند این شگرد، بیشتر درصدد نقد تفکر «چاپ تشکر بیجا در روزنامه‌ها» و به نوعی انتقاد از چاپلوسی است.

ولی گاه تصویر، عکسی از طبیعت است و گل آقا با شرحی که در زیر آن می‌آورد، تصویر را به نحوی به مشکلات جامعه ربط می‌دهد و همین ارتباط دادن دو چیز بی‌ربط مخاطب را غافلگیر کرده، می‌خنداند:

«در عالم طیور!»

«عکس دو پرنده»

«اولی به دومی: تو که خانه نداشتی چرا آمدی خواستگاری؟» گل آقا (صابری، ۱۳۷۴: ۳۱)

ز. چاپ دست‌خط+ استنتاج گل آقا

صابری دو دفعه از این شگرد شیرین استفاده می‌کند: یک دفعه در جلد اول و چاپ دست‌خط مش‌رجب، برای نشان دادن خط و خطوط او و دیگری چاپ دست‌خط شاغلام در جلد چهارم، برای نشان دادن اینکه احتمال دارد شاغلام تغییر خط بدهد. خطی که چاپ می‌شود، خطی کودکانه است و صابری چنین خطی را چاپ می‌کند تا بی‌سوادی و عوام بودن شخصیت‌های آبدارخانه را بهتر نشان دهد. همچنین، ناگفته نماند که مطالبی که در دست‌خط می‌آید، طنزآمیز است و انتقادی به یک اتفاق روز دارد.

۳-۲-۳. حاشیه‌روی

صابری، در طنزهایش از این شگرد بسیار استفاده می‌کند و در اکثر موارد، اطنابی طنزآمیز نیز با این شگرد تلفیق می‌کند که متن را شیرین‌تر می‌کند. بدین صورت که: «وقتی قرار است چیزی گفته شود و در عین حال گفته نشود، صابری از حاشیه‌روی استفاده می‌کند. در این روش، بحث اصلی که در جایی (که ممکن است تیترو باشد)، گفته شده، نیم گفته می‌ماند. در مورد مسائلی که چندان هم بی‌ربط نیست، حاشیه‌روی می‌شود.» (نبوی ۱۳۸۴: ۲۸۰) یکی از مزیت‌های این روش، «رفع تکلیف از خود و انداختن مسئولیت طرح موضوع به عهده‌خبر مذکور» (نبوی، ۱۳۸۴: ۲۸۰) است.

۳-۲-۴. طرح تناقض

گل آقا، تناقض‌ها (گفتار همزمان و متناقض دو مسؤل، مقایسه دو گفتار یک نفر در دو زمان مختلف، تناقض دیدگاه‌ها در حیطه‌های مختلف و...) را در کنار هم می‌گذارد و نشان می‌دهد (نبوی، ۱۳۸۴: ۲۸۰) و این با شگرد متناقض‌نما متفاوت است؛ در آنجا صابری، خود، پارادوکسی می‌آفریند، ولی اینجا تناقض هست و او فقط تناقض‌ها را برجسته می‌کند تا مخاطب به آن بیندیشد و درصدد حل این تناقضات برآید.

۳-۲-۵. اشتباه یا تیق

شگردی که گاه صابری به کار می‌برد، بدین صورت که شخصیت‌های طنز «دو کلمه حرف حساب» مطلبی را بیان می‌کنند، ولی مسئولیت آن سخن را نمی‌پذیرند و می‌گویند که اشتباه شده یا تیق زده‌اند و اعتقاد واقعی طنزنویس همان خطا و اشتباه است نه نظری که به ظاهر از در موافقت با آن درمی‌آیند. ناگفته نماند که در این شگرد، دو شگرد آیرنی کلامی و برهان خلف باهم تلفیق می‌شود:

«گاز»

لابداً این شاغلام باید زبانش را گاز بگیرد. والا ما خودمان این کار را می‌کنیم. چرا؟ زیرا که امروز تپق زده، به جای اینکه بگوید «مخالفم» گفت: «موافقم!» لذا حکم محکم کردیم که اگر به زبان خوش، زبانش را گاز نگیرد، ما می‌گیریم.

می‌گوییم: هان؟ آهان شاغلام؟ تپق زدی دیگر، مگر نه؟... «(صابری، ۱۳۷۷: ۱۷۷)

۳-۲-۶. ارتباط دادن مسائل روز با شخصیت‌های تاریخی

یکی دیگر از محمل‌های بیانی صابری، پیوند مسائل روز سیاسی با شخصیت‌های تاریخی، خواه واقعی چون: ارسطو، افلاطون، کمبوجیه، هوخشتره و...، خواه داستانی، چون: رستم، اشکبوس، اسفندیار، بیژن و منیژه و... است. یکی از عواملی که سبب طنزآمیز شدن این شگرد می‌شود، تقابل سازی شخصیت‌های روز (گاه افراد واقعی و گاه شخصیت‌های آبدارخانه) با شخصیت‌های تاریخی - داستانی است، چون: تقابل بتهوون و شهردار تهران (۱۳۶۷/۱۱/۵)، افلاطون و مش‌رجب (۱۳۶۵/۵/۱۸) که طنزآمیز است.

«گرانی مصنوعی!

اگر دستنویس قطعنامه گردهمایی کسبه سبزه میدان هگمتانه و بازار طاقی کله و آشور را پیدا می‌کردیم، امروز به راحتی آب خوردن ثابت می‌نمودیم که مسئله کنترل قیمت‌ها و نظام کنترل قیمت‌گذاری (وحتی نصب برچسب قیمت روی کالاها) سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و «کمبوجیه» نیز آن را اعمال می‌کرده است!

نخند شاغلام! ببند آن نیش بی‌صاحب مانده‌ات را! ما داریم تفحص تاریخی می‌کنیم... پس چی؟... حضرتعالی خیال کردی که قیمت‌گذاری از زیر بته درآمده و فقط مربوط به دوره اخیر و دولت قبلی و به هکذا قبلی‌تر می‌باشد؟ بله! صحیح می‌فرمایی، هر زمان به شکل و اشکال خاصی بوده. منتهای مراتب، بوده!» (صابری، ۱۳۷۴: ۴۵)

۳-۲-۷. طرح‌ها و پیشنهادهای طنزآمیز

گاه صابری از زبان گل‌آقا و اصحابش، پیشنهادهایی بر خلاف عرف و عادت معمول می‌دهد که این پیشنهادهای طنزآمیز هستند. در اکثر این پیشنهادهای شگرد غافلگیری نیز دیده می‌شود: به عنوان مثال طرح توزیع گل‌آقا (صابری، ۱۳۶۹: ۲۴)، توصیه وی برای شرکت دادن شهرداریها در

صنف حفاران چاه‌های عمیق و نیمه عمیق (صابری، ۱۳۶۹: ۴۵)، طرح صلح گل آقا (صابری، ۱۳۷۳: ۱۱۸) و ...

۳-۲-۸. تجرید

تجرید، شیوه‌ای است که در طنزهای حافظ بسیار دیده می‌شود، یعنی به جای آنکه به صراحت از رفتاری انتقاد کند، آن رفتار را به خود نسبت می‌دهد و در خلال آن، از آن رفتار انتقاد می‌کند. «برادر دکتر محمد حسین عادل ریاست کل بانک مرکزی

هشدار استوار و رهنمود کارساز سرکار در سمینار سیاستهای پولی و ارزی را به گوش جان شنیده، حکم محکم حضرتعالی را مبنی بر این که «باید هرچه زودتر(!) زمینه اصلی برای یکسان شدن نرخ ارز فراهم و سیستم چند نرخ ارز از بین برود»، آویزه گوش خویش نمودیم. متأسفانه، در اثر غفلت این جانب و سوءتدبیر شاغلام، در راستای ایجاد سیستم چند نرخ در همه چیز از شیر مرغ تا جان آدمیزاد، بالاخره داد سرکار عالی را که وظایف و اختیاراتان هیچ ربطی به مسائل ارزی نداشته! درآورده و ما را پیش شما، سگه یک پول و سنگ رو یخ نموده است! العفو!... العفو! که اگر بیش از این تشر بزنید، حکماً از خجالت آب می‌شویم.» (صابری، ۱۳۷۴: ۲۴۰)

۳-۲-۹. عناوین طنزآمیز

صابری برای تمام طنزهایش با دقتی فراوان عنوانی برمی‌گزیند. در بسیاری از این عناوین، نکته ظریفی دیده می‌شود که با متن در ارتباط است و بدون توجه به عنوان، بسیاری از نکات ظریف را از دست می‌دهیم. در کل، این عناوین را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: «ماجرایی و مضمونی. عناوین ماجرایی، عناوینی‌اند که خلاصه‌ای از حوادث حکایت را بیان می‌کنند... . عناوین مضمونی، معمولاً مضمون و پیام حکایت را بیان می‌کنند... . جالب اینجاست، امروز که دیگر حکایات مطایبه‌آمیز مستقیماً پند نمی‌دهند، این نقش را عناوین مضمونی به عهده دارند و آنها حامل پند حکایت‌اند، البته پندی از روی مطایبه.» (اخوت، ۱۳۷۱: ۵۷)

الف. عناوین ماجرایی

این عناوین بسیار ساده است و بخشی یا همه موضوع «دو کلمه حرف حساب» را بیان می‌کند. چون «شاغلام در رفت» (۱۳۷۱/۳/۱۸)، «تبریک به گل آقا» (۱۳۷۱/۳/۲۳)، «غزل خداحافظی» (۱۳۷۱/۴/۴)، و ...

ب. عناوین مضمونی

هنرمندی صابری، در عناوین مضمونی است. او در این نوع از عناوین، ارتباطی ظریف بین متن و عنوان ایجاد می‌کند و حتی گاه، بار اصلی طنز بر روی عنوان است که با نشانه‌های سجاوندی (چون !، !!!، ؟!)، برجسته می‌شود تا مخاطب بدان توجه کند.

- بیشتر عناوین مضمونی، کنایی است و ابهام و چندمعنایی حاصل از کنایه، ذهن مخاطب را درگیر کرده، باعث می‌شود مخاطب به دنبال پیام اصلی طنز برود و از درک طنز لذتی دوچندان ببرد.

- برخی دیگر از عناوین مضمونی، عناوینی هستند که رمز خنده حاصل از آنها، غافلگیری توأم با تقابلی سازی است. این عناوین، در همان آغاز، توجه مخاطب را جلب می‌کند و مخاطب را ترغیب می‌کند تا متن را بخواند و به ارتباط دو یا چند چیز ناهماهنگ پی ببرد. مثال: دوکلمه حرف حساب «کوپین و سرنا!» (صابری، ۱۳۶۹: ۱۶۹)

۳-۲-۱۰. علائم سجاوندی

علائم سجاوندی، عمدتاً به دو دلیل در متن کاربرد دارند: الف- برای سهولت ارتباط با مخاطب و خوانش سریع‌تر و راحت‌تر متن. ب- وظیفه انتقال پیام را بر دوش دارند و در متن، دلالت معنایی یا بلاغی دارند. (ایران‌زاده و شریف‌نسب، ۱۳۸۷: ۳۵) در متن طنز، این نشانه‌ها به هر دو دلیل به کار برده می‌شوند. ولی آنچه اهمیت بیشتری دارد، دلیل دوم است. صابری اغلب از سه تا از این نشانه‌ها به عنوان شگردی که به طنزآمیز شدن مطلب کمک می‌کند، بهره می‌برد.

الف. علامت تعجب (!)

علامت تعجب یا عاطفی، در پایان جملات و اصوات می‌آید که مقاصد چون: تعجب، شگفتی، نهی، تحسین، خطاب، نفرین، تحقیر، تأسّف، استهزاء، تأکید و هشدار دارند.

صابری از علامت تعجب به سه شکل استفاده می‌کند: !، (!)، !! او در مورد به کار بردن

علامت تعجب سه دلیل ذکر می‌کند:

الف. گاهی کلمه‌ای را به عمد غلط می‌نویسیم و می‌خواهیم با این غلط عمدی، کسی یا چیزی را مورد انتقاد قرار دهیم، ولی برای آنکه مخاطب خیال نکند ما غلط را نفهمیدیم، یک علامت تعجب جلوی غلط عمدی می‌گذاریم.

ب. گاه موضوعی به صورت تجاهل مطرح می‌شود و به این دلیل که خواننده عادی بفهمد

آن نکته تجاهل است و نه اینکه ما واقعاً نمی‌دانیم، از علامت تعجب استفاده می‌کنم.
ج. گاه می‌خواهیم به خواننده‌ی عادی سرنخ بدهیم تا نکته‌ی طنز را بیابد، به همین علت، جلو
عبارتی که بار طنز را به دوش می‌کشد، یک علامت تعجب می‌گذاریم. (صابری، ۱۳۷۲: ۲۵۳)

ب. سه نقطه (...)

سه نقطه، به دلایلی چون نشان دادن ادامه‌ی مطلب، برای محرمانه نگاه داشتن اسم اشخاص،
برای نشان دادن کشش هجا در گفتار و ... به کار برده می‌شود. (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۴۱) ولی گاه
این نشانه، چنین اهدافی را دنبال نمی‌کند و در جهت تعلیق و تأخیر پیام به کار می‌رود و به زبان
دیگر «بستار» (close) (= پایان قطعی) را از متن می‌گیرد و دست مخاطب را در درک و دریافت
پیام باز می‌گذارد؛ یعنی مخاطب را در فرایند خوانش متن، فعلاً نه مشارکت می‌دهد. (ایران‌زاده و
شریف‌نسب، ۱۳۸۷: ۳۶)

صابری، از این نشانه نیز بسیار بهره می‌برد و یکی از دلایل آن این است که در طنز، گاه به
خاطر مصلحت‌ها و یا ترس، نمی‌توان همه‌ی مطلب را بیان کرد و در اینجا است که این نشانه،
مخاطب را رهنمود می‌کند تا خود فکر کند و مسائل مگو را دریابد. او با استفاده از «سه نقطه»،
پرش و قطع‌های متوالی در سخنش ایجاد می‌کند و بدین وسیله، درک بخشی از مطلب را به
عهده‌ی خواننده می‌گذارد و به این ترتیب، در میان انبوه خوانندگان، هر کس این مجال را می‌یابد
تا به اندازه‌ی فهمش، مدعا را بفهمد و از زاویه‌ی دید خودش، به موضوع نگاه کند.
(احترامی، ۱۳۸۴: ۳۱)

ج. گیومه «»

یکی از هدفهایی که در کاربرد گیومه مشاهده می‌شود، برجسته کردن اصطلاحات خاص، کلمات
ناآشنا و جملات مشهور است و در طنز نیز، شاهد همین کاربرد هستیم. ولی در طنز آنچه
برجسته می‌شود، بیشتر نکته‌ی کلیدی طنز است که توجه و تفکر بیشتری می‌طلبد. همچنین،
برجسته کردن برخی از واژه‌ها باعث می‌شود ذهن، متوجه‌ی پیش زمینه‌هایی شود و بعد طنزنویس،
آن اطلاعات را نقض کرده و مخاطب را غافلگیر می‌کند:

«می‌گوییم: از آن «عناصر اربعه» چیزی هم گفته بودیم؟

می‌گوید: بلی! فرمودید: عینک، عصا، قلم ... آنگاه - بی ادبی می‌شود- انگار تشریف برده
باشید به عالم هپروت، زمام کلام از کف با کفایت‌تان در رفت! همین‌جور مات و مبهوت ،

نگاهمان کردی ... ما نیز به تأسی از جنابعالی، حیران و متحیر، نگاهتان نمودیم! قربان آن بیان ساروج بنیان شما بشوم! چهارمی را نفرمودی، این دل بی‌صاحب مانده‌مان آب شد!
- جوهر! غلامک من جوهر! «صابری، ۱۳۷۳: ۱۵۴»
- صابری وقتی با گیومه عناصر اربعه را برجسته می‌کند، ذهن مخاطب به «آب، آتش، باد و خاک» می‌رود ولی صابری مخاطب را غافلگیر کرده، از «عینک، عصا، قلم و جوهر» صحبت می‌کند و همین باعث خنده می‌شود.

۳-۲-۱۱. رسم و سنت سازی

صابری، گاه رسم‌های ایرانی را برجسته می‌کند و با آنها زمینه طنز را فراهم می‌کند؛ مثل سنت تفال به دیوان حافظ که طنزهای بسیار ظریفی بدین طریق خلق می‌کند.
از دیگر رسم‌هایی که گل آقا یا اصحابش انجام می‌دهند، رسم اسپند دود کردن است. اسپند را برای حفظ شخص از چشم‌زخم دود می‌کردند، ولی صابری مانند وقتی که کسی کار اشتباهی می‌کند و به طنز به او می‌گوییم اسپند برایت دود می‌کنم، این رسم را به کار می‌برد.
صابری، گاه خودش به واسطه کنایاتی که در زبان وجود دارد، رسم و سنت جدیدی می‌سازد؛ مثلاً دو تا از این رسم‌ها که از تنبیهات گل آقا نیز محسوب می‌شوند «سبیل دود دادن» و «گاز گرفتن زبان» است.

روش دیگری که او رسم و سنت جدید می‌سازد، این است که گاه بعضی از کارهای عادی را برجسته کرده، معنایی نمادین به آن می‌دهد؛ مثل مراسم سنتی «فوت به سماور» که کم‌کم صابری، هرگاه می‌خواست نشان بدهد که او تحت فشار است و نمی‌تواند انتقاد کند، یا به نشانه اعتراض به واقع‌های، آبدارخانه را تعطیل می‌کرد. این مراسم را شاغلام یا دیگر اصحابش انجام می‌دادند:

«استبدادی ندارد. بعض خوانندگان عزیز، تقارن اقدام غضنفرانه ما از برای انجام مراسم سنتی «فوت به سماور» را با پاسخ روزنامه رسالت مندرج در ذیل دو کلمه حرف حساب پنجشنبه ۷۶/۷/۱۷ به فال نیک گرفته، عبارت «انتقاد سیاه» مسطور در پاسخ برادران رسالتی را هم به هکذا!...» (صابری، ۱۳۷۷: ۱۰۳)

۳-۲-۱۲. تجدید چاپ

یکی از شگردهای صابری، تجدید چاپ «دو کلمه حرف حساب» هایی است که قبلاً چاپ شدند. او «معمولاً دست به تجدید چاپ این مطالب می‌زند تا بگوید که پیش‌بینی‌اش در مورد یکی از مسایل روز، درست از آب درآمده است.» (زرویی، ۱۳۸۴: ۱۴۰) مثلاً دو کلمه حرف حساب (یکشنبه ۱۳۶۶/۵/۴) تحت عنوان «مثنوی معنوی!» در تاریخ چهارشنبه ۱۳۶۹/۵/۲۴ تجدید چاپ شده است.

۳-۳. تلفیق شگردهای طنزساز

اغلب طنزنویسان در طنز، از چندین شگرد استفاده می‌کنند. یکی از ویژگی‌های شگردهای طنزهای صابری- که در طنز برخی از طنزنویسان کم‌رنگ است -تلفیق چندین شگرد است و زبان طنز به اندازه ای یک دست است که مخاطب متوجه تلفیق شگردهای متنوع نمی‌شود. صابری، بخصوص شگردهایی که به هم نزدیک است، چون برهان خلف و آیرنی را با هم تلفیق می‌کند. در ذیل نمونه‌ای از «دو کلمه حرف حساب» را از این لحاظ بررسی می‌کنیم:

برای فهم شگردهای ظریف متن زیر، باید توجه داشت که چاپ این مطلب مقارن بوده است با انتصاب مهندس «بیژن» نامدار زنگنه به وزارت نیرو. سرپرستی وزارت نیرو تا آن زمان با مهندس «خاموشی» بوده و مهندس زنگنه، وزارت جهاد سازندگی را بر عهده داشته است.

«بیژن و منیژه!

میزان خاموشی، در زمان «خاموشی» اندک بود. وزیر جدید که آمد، کم‌کم بدان مزید کرد، شد روزی سه چهار ساعت بلکه هم بیشتر!

ابیات تغزلی

شبی گیسو فروهشته به دامن عجب برقی مهیا کرده «بیژن»!
چراغ خانه چون زلف منیژه دو چشم من بدو چون چشم بیژن!
تکرار قافیه از مختصات ویژه اشعار دوران سازندگی است! اگر در سبک خراسانی یا عراقی یا هندی سابقه ندارد، به خاطر این است که آنها در پرتو شمع شعر می‌سرودند، ما در سایه چراغ‌موشی!

اشعار حماسی- پهلوانی!

شبی چون شبه روی شسته به قیر سر «رخش» کرده اصابت به تیر
نه بهرام پیدا نه کیوان نه ماه بیافتاد «بیژن» ز چاله به چاه

بخندید خندیدنی قاه قاه «منیژه» همی کرد او را نگاه
 -چه بی معنی؟! ما به سبک اشعار فردوسی و کار بیژن اعتراض داریم. آن جایی که او بود،
 در آن وقت شب، چه جای خندیدن بود؟! - پاورقی منظور تیر چراغ برق است. «
 (صابری، ۱۳۶۹: ۳۱۲)

مهم‌ترین شگردهای متن بالا عبارتند از: قسمت نخست طنز، نقیضه‌ای است بر حکایت
 انوشروان عادل در گلستان سعدی «... گفتند این قدر چه خلل کند؟ گفت: بنیاد ظلم در جهان
 اول اندک بوده است و به مزید هرکس بدین درجه رسیده است...» (سعدی، ۱۳۸۴: ۷۴).
 ابیات «شبی گیسو فروهشته...» نقیضه‌ای بر ابیات قصیده مشهور منوچهری دامغانی است:
 شبی گیسو فروهشته به دامن پلاسین معجر و قیرینه گرز
 ثریا چون منیژه بر سر چاه دو چشم من بدو چون چشم بیژن
 (منوچهری، ۱۳۳۸: ۲۰۰)

و بقیه مطلب، نقیضه‌ای بر ابیات آغازین داستان بیژن و منیژه شاهنامه فردوسی است:
 شبی چون شبه روی شسته به قیر نه بهرام پیدا نه کیوان نه تیر (فردوسی، ۱۳۸۱: ۴۳۳)
 و به طور کلی این طنز، نقیضه‌ای است بر مطالب تحقیقی که به منظور فهم بیت یا ابیاتی
 محققان ادبی می‌نویسند.

شگرد غافلگیری، در بیت «سر رخس کرده اصابت به تیر» دیده می‌شود و جالب است که
 تیر را هرچو معنا کنیم باز این شگرد باقی است؛ مثلاً اگر تیر به معنای ابزار جنگی باشد تیر
 اصابت می‌کند نه سر رخس به تیر، همچنین اگر تیر به معنای تیر برق باشد (که در پاورقی چنین
 آمده) ناهماهنگی بین تیر برق و زمان تاریخی که رخس متعلق به آن است (هنجارگریزی
 زمانی) دیده می‌شود. شگرد غافلگیری، در خط آخر طنز هم دیده می‌شود: «چه بی معنی؟!...»

شگردهای بلاغی شامل: تشبیه (چراغ خانه چون زلف منیژه)، ایهام (بیژن، تیر، بیژن)،
 استخدام (از چاله به چاه افتادن در ارتباط با بیژن داستانی یک معنا دارد و در ارتباط با مهندس
 بیژن نامدار که از وزارت جهاد سازندگی به وزارت نیرو آمده، معنای کنایی از چاله درآمدن در چاه
 افتادن را می‌دهد. چه بی معنی نیز می‌تواند در ارتباط با سبک فردوسی یک معنا داشته باشد در
 ارتباط با کار بیژن (مهندس بیژن) معنای دیگر، اغراق (ما در سایه چراغ موشی! غیر مستقیم
 می‌گوید برق‌ها همیشه قطع است و ما با چراغ موشی زندگی می‌کنیم)، جناس تام (خاموشی و
 بیژن)، تلمیح (اشعار دوران سازندگی اشاره دارد به دولت آقای هاشمی رفسنجانی)، بیافتاد بیژن ز

چاله به چاه، اشاره دارد به اینکه مهندس زنگنه از وزارت جهاد سازندگی به وزارت برق منصوب شده، همچنین بیت: بخندید خندیدنی ... و ادامهٔ مطلب «اشاره به این که با آن وضع بی‌سامان برق، اظهار خوشحالی و مسرت از طرف وزیر نیرو، بی‌مورد می‌نموده است.» (زرویی، ۱۳۷۶: ۴۲) همانگونه که دیده می‌شود، نمی‌توان گفت یکی از این شگردها به تنهایی سبب طنزآمیز شدن مطلب شده است. با آنکه شگرد نقیضه در این طنز برجسته‌تر است، ولی تلفیق هنرمندانهٔ چندین شگرد در متن، دلیل اصلی طنز است.

۴. نتیجه‌گیری

صابری از شگردهایی چون: آیرنی، بزرگ‌سازی، کوچک‌سازی، تقابل‌سازی، برهان خلف که اغلب شگرد مشترک بسیاری از طنزهای جهان است، استفاده می‌کند. به جز این، او در موارد بسیاری، خود شگرد جدیدی ابداع می‌کند تا متن را خنده‌دار و تفکربرانگیز کند. همچنین او شگردها را درهم می‌آمیزد و شکل نویی به شگردهای تکراری می‌دهد و این چنین از شگردی که به علت کثرت استفاده، غافلگیری خود را از دست داده است، آشنایی‌زدایی می‌کند. به بیان دیگر، صابری در کاربرد شگردها سه ویژگی مهم: تنوع، ابداع و تلفیق شگردهای طنزساز را مطمئن نظر دارد. و همین نوع خاص کاربرد شگردهای طنزساز، به طنز او وجهه‌ای متفاوت می‌دهد و یکی از جنبه‌های سبک فردی صابری، همین نوع کاربرد شگردهای طنزساز است.

منابع

- احترامی، منوچهر. (۱۳۸۴). «گل آقا مردی برای همیشه». رشد آموزش زبان و ادب فارسی. ش ۷۳.
- اصلانی، محمدرضا. (۱۳۷۸). فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز. تهران: کاروان.
- ایران‌زاده، نعمت‌الله؛ مریم شریف‌نساب. (۱۳۸۷). «کاربرد تصویری- بلاغی سجاوندی در شعر معاصر فارسی»، فصلنامهٔ ادب پژوهی، ش ۵.
- باقری‌خلیلی، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). «عناصر غالب بلاغی در طنزهای دیوان خروس لاری». پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۳.
- بهره‌مند، زهرا. (۱۳۸۹). «آیرونی و تفاوت آن با طنز و صنایع بلاغی مشابه». فصلنامهٔ زبان و ادب فارسی، شمارهٔ ۴۵.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۴). دیوان حافظ. با استفاده از نسخهٔ تصحیح شده محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی. تهران: اقبال، چ ۲۲.
- حرّی، ابوالفضل. (۱۳۸۷). دربارهٔ طنز: رویکردهای نوین به طنز و شوخ‌طبعی. تهران: شرکت انتشارات سورهٔ مهر.
- حسام‌پور، سعید و دیگران. (۱۳۹۰). «بررسی تکنیک‌های طنز و مطایبه در آثار هوشنگ مرادی کرمانی» مجلهٔ مطالعات ادبیات کودک. سال ۲، ش ۱.

- حلبی، علی اصغر، (۱۳۶۴). *مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی*. تهران: مؤسسه انتشارات پیک.
- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۷). *راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی*. تهران: علم.
- زرویی، ابوالفضل (۱۳۸۴). «مقدمه‌ای بر سبک‌شناسی دو کلمه حرف حساب». *یادنامه کیومرث صابری*، سید عبدالکریم موسوی، دفتر طنز حوزه هنری با همکاری مؤسسه گل آقا و جشنواره مطبوعات.
- سعدی، مصلح بن عبدالله، (۱۳۸۴). *گلستان*. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی، چ هفتم.
- صابری، کیومرث (۱۳۶۹). *گزیده دو کلمه حرف حساب*. ج ۱، تهران: سروش.
- _____ (۱۳۷۳). *گزیده دو کلمه حرف حساب*. ج ۲، تهران: مؤسسه گل آقا.
- _____ (۱۳۷۴). *گزیده دو کلمه حرف حساب*. ج ۳، تهران: مؤسسه گل آقا.
- _____ (۱۳۷۷). *گزیده دو کلمه حرف حساب*. ج ۴، تهران: مؤسسه گل آقا.
- طالبیان، یحیی و فاطمه تسلیم چهرمی، (۱۳۸۸). «ویژگی‌های زبان طنز و مطایبه در کاریکلماتورها». *فنون ادبی دانشگاه اصفهان*، سال اول، شماره ۱.
- فتوحی، محمود، (۱۳۸۷). «ارزش ادبی ابهام از دو معنایی تا چند لایگی معنا». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، س ۱۶، ش ۶۲.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۱). *شاهنامه (بر اساس چاپ مسکوک)*. تصحیح سعید حمیدیان. تهران: نشر قطره.
- فلاح قهرودی، غلامعلی و زهرا صابری تبریزی، (۱۳۸۹). «نقیضه و پارودی» *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی* دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، دوره جدید شماره ۴.
- کزازی، میرجلال‌الدین، (۱۳۶۸). *زیباشناسی سخن پارسی*. تهران: مرکز.
- منوچهری دامغانی، (۱۳۳۸). *دیوان اشعار*. تصحیح دبیرسیاقی، تهران: زوار.
- موسوی گرمارودی، علی، (۱۳۸۰). *دگرخنده در آمدی بر طنز و هزل و هجو در تاریخ و تاریخ معاصر*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نبوی، سید ابراهیم، (۱۳۷۸). *کاوشی در طنز ایران*. ج ۱، تهران: جامعه ایرانیان، چاپ سوم.
- واعظ کاشفی سبزواری، میرزا حسین، (۱۳۶۹). *بنایع/لافکار فی صنایع الاشعار*. تصحیح میرجلال‌الدین کزازی، تهران: نشر مرکز.